

## هفت تپه، آخرین تحولات

کشمکش ادامه دارد!

### جنبش مجمع عمومی و شورایی

تقدیم به اعتصابات کارگری جاری و کارگران هفت تپه

صفحه ۴

رحمان حسین زاده

۵۵۷

# مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۳۱ مرداد ۱۳۹۹ - ۲۱ اوت ۲۰۲۰

## ۲۸ مرداد تاریخ دو جنایت، دو سرکوب

از این تاریخ باید آموخت!

صفحه ۶

آذر ماجدی

## چهل و یک سال گذشت!

(به مناسبت ۲۸ مرداد ۵۸ روز هجوم نظامی به کردستان)

صفحه ۷

رحمان حسین زاده

## ایجاد سازمانهای کارگری امر خود کارگران است

صفحه ۹

منصور حکمت

اعلامیه حزب حکمتیست

جعفر عظیم زاده و زندانیان سیاسی باید آزاد شوند!

اعلامیه حزب حکمتیست

اعتراض هماهنگ بازنشستگان در چند استان کشور

### حکم تخریب یک روستا، جنگ بر سر مالکیت!

"خانه هایشان تخریب کنید، آنها را بیرون کنید، اگر مقاومت کردند دستگیرشان کنید، آنها ملک خدا را که باید در تملک ما باشد تصرف کرده اند!" این فشرده حکم یک تراست و بنیاد بزرگ اقتصادی سرمایه داران است، حکم "بنیاد مستضعفان"! قربانیان اینبار حاشیه نشینان کلان شهرها نیستند، کارگران دستفروش نبودند، مردم یافت آباد و خاک سفید نبودند، یک روستا با ۳۰۰ خانوار است، روستای "ابوالفضل" در حد فاصل بین شهرک زردشت و پدافند کیانشهر اهواز!

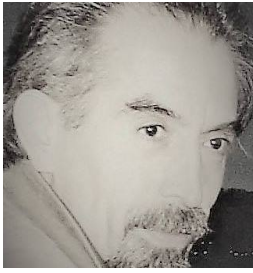
این مردم سه دهه است اینجا ساکن اند. اما بنیاد مستضعفان ادعا کرده "مالک" زمین های روستا است، میگوید ساکنان روستا این زمینها را "اشغال" کردند، خرید و فروش "غیر قانونی" بوده، اسنادشان اعتبار ندارد. میگوید این "تعرض به اموال و مالکیت دولت" است! دادستانی اهواز نیز اعلام کرده "با تعرض به مالکیت برخورد قاطع" خواهد شد! امام جمعه نیز حکم جلب ساکنین را تأیید کرده است! حکم تخریب و تصرف "شرعا و قانونا" صادر شد و جنگ آوران لشکر اسلامی با تجهیزات سرکوب به روستای "اشغالگران" هجوم بردند و برگ زرین دیگری به تاریخ فتوحات اسلامی افزوده شد!

مردم محروم و زحمتکش

صفحه ۲

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## حکم تخریب یک روستا، جنگ بر سر مالکیت ...



تلاش بنیاد سرمایه داران برای تخریب یک روستا با ۳۰۰ خانوار به تنهایی حکم بر نابودی هرچه سریعتر حکومت اسلامی میدهد. در متن این کشمکش جنگ بر سر مالکیت هر روز حادث می شود. دیگر این فرض که "دولت است و حق دارد"، "سرمایه دار و صاحب کارخانه و معدن و ابزار کار است و حق دارد"، "غیرعقلانی و نادرست و

غیر واقعی بنظر می رسد، زیر سوال میرود، به کشمکش با حکومت اسلامی و مسئله مالکیت رنگ و معنی جدیدی میدهد. داستان اما با عذرخواهی بنیاد و توقف یورش لشکر داعشیان خامنه ای تمام نمی شود. اگر دولت و بنیاد و دادستان میگویند با تصرف غیرقانونی "اموال دولت" برخورد قانونی و قاطع می کنیم، کارگران و مردم زحمتکش هم میگویند این "اموال ما شما نیست"، اشغالگر و غاصب شما! جنگ کلان تری بر سر مالکیت از هرسو آغاز شده است. کارگران و مردم زحمتکش میگویند؛ "این زمین مال من است"، "اینجا محل زندگی من است"، "کارخانه و معدن مال من است"، "جنگل و دریا و منابع مال من است"، "من در آن کار و زندگی میکنم"، "مال تو نیست"، "از کجا آوردی"؟

رویداد تخریب و تصاحب این روستا و جدال دامنه دار و گسترش یابنده در مراکز کار بر سر مالکیت و تقابل با سرمایه داران، بارقه های کشمکش دیرپاتر و آتی بر سر مالکیت بورژوائی و مالکیت اشتراکی است. هیچی عقلانی تر از این نیست که محل های کار و منابع و محل زندگی و امکانات و ثروت تولید شده در جامعه در اختیار همگان باشد!

سردبیر.

۲۱ اوت ۲۰۲۰



روستا که از آب و برق و سیستم فاضلاب و هر حداقل امکان بدهی یک اجتماع انسانی محروم اند و سه دهه است با این فلاکت گذران می کنند، ناچار بودند از کودکان و پیران و خانه و کاشانه شان دفاع کنند. آنها در مقابل هجوم جنایتکارانه و بربرمنشانه لشکر اسلام مقاومت کردند. مردم روستا از زن و مرد و پیر و جوان و کودک مقابلشان ایستادند. در این جریان تعدادی از مردان روستا بازداشت و با گرفتن تعهد برای تخلیه خانه ها از اذشان کردند. حمله بنیاد سرمایه داران علیه محروم ترین و بی امکانات ترین بخش جامعه شکست خورد. طرح پاکسازی جمعی اشغالگران به تف سربالا بدل شد، "فتاح" رئیس بنیاد به غلط کردم افتاد، حرف و حکم شان را پس گرفتند.

"مستضعف و مستکبر" الفاظ اسلامی خمینی است که برای تقابل با "کارگر و سرمایه دار" و ادبیات چپ در دوره انقلاب تولید شد ۵۷ "بنیاد مستضعفان" سرمایه اش را از مصادره باصطلاح "اموال" پهلوی و ساواکی ها شروع کرد و بتدریج فربه تر شد و بر امکانات و منابع زیادی چنگ انداخت. "بنیاد مستضعفان" میتواند نامش "بنیاد پهلوی" باشد، اما جنبش اسلامی طی انقلاب و نظر به فشار اعتراض کارگر به بیعدالتی و نابرابری و در تقابل با کمونیسسم، اسم "مستضعفان" روی خود نهاد و ادعا کرد که "این ثروتها باید به مردم برگردد"، اما از یک بخش سرمایه داران رژیم سابق به بخش دیگری سرمایه داران در رژیم اسلامی انتقال یافت. ناسیونالیسم وقتی ثروت جامعه را در دست طبقه سرمایه دار متمرکز میکند آنرا "ملی" اعلام میکند اما حق استفاده و بهره برداری از آنها در اختیار اهالی کشور نیست، در اختیار لایه ای از سرمایه داران یا دولت بعنوان یک سرمایه دار بزرگ است. ایدئولوژی اسلامی نیز همین کار را با تغییر در صور و نامها انجام میدهد و حجم دست اندازی به و غارت اموال عمومی را به تراست های بزرگ اقتصادی با ساختاری مافیائی ارتقا داده است. بنیاد "مستضعفان" برخلاف اظهارات دادستانی "دولتی" هم نیست، لانه تعدادی سوپر میلیاردر و گردن کلفت حکومتی است که مالیات نمی دهد، کسی حق ندارد دور و بر آن پرسه زند، کلید دار این بنیاد و بنیادهای مشابه هم حلقه یاران نزدیک خامنه ای هستند.

حکومت اسلامی بعنوان حافظ نظم سرمایه خود را "مالک" همه چیز میداند و "تعرض به مالکیت خصوصی" طبقه سرمایه دار را "با برخورد قاطع" جواب میدهد. یا اموال عمومی توسط شبکه اختاپوسی این نوع بنیادها تصرف شده و یا آنها را به بازار بورس و "بخش خصوصی" که آنهم عمدتاً وابستگان حکومتی و بخشاً سرمایه داران سابق هستند، واگذار کرده است. جامعه ای تاراج و به اسارت گرفته شده و رقابت روزافزون باندهای مختلف درون حکومتی بر سر تصاحب اموال بیشتر و فساد روزافزون و لاینحل مسئله را بشدت حاد کرده است.

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**

## هفت تپه، آخرین تحولات

### کشمکش ادامه دارد!

طلبکاریم، اما خواست اصلی ما یعنی خلع ید از اسدبیگی و برچیدن خصوصی سازی هنوز لاینحل مانده و تا این صورت نگیرد ما اعتراض و اعتصاب را ادامه می دهیم. سیاست مجموعه حاکمیت، علیرغم تضادها و اختلافاتشان بر سر خلع ید از اسد بیگی، تداوم خصوصی سازی و سردواندن کارگران و انگ امنیتی زدن به اعتراض و اعتصاب است. سیاست کارگران غیر امنیتی کردن اعتراض و اعتصاب و تشکل و خلع ید از کارفرمای فاسد اختلاسگر و برچیدن بخش خصوصی است.

حکومتی ها و نمایندگان شان وعده "رفع موانع رونق تولید" را می دهند و همزمان میگویند باید آرامش باشد، اعتراض و اعتصاب نکنید و سرکار برگردید. کارگران میگویند دولت و مجموعه مسئولان کشتی تولید را به گل نشانند و هیچ اراده ای برای مقابله با فساد و پرونده سازی و حتی ترور کارگران وجود ندارد. تولید بدون تامین خواستههای کارگران، بدون لغو خصوصی سازی، بدون غیر امنیتی کردن فضای کارخانه و اعتراض و اعتصاب و بدون وظیفه دولت برای تامین نیازهای کارخانه وعده ای توخالی است. کارگران میگویند این چه وضعی است که برای گرفتن هر ماه حقوق ما چهار سال است در اعتصاب مستمر هستیم! این وضع باید تمام شود!

اعتصاب هفت تپه تاکنون دستاوردهای مهمی داشته و تحقق برخی مطالبات تنها گوشه ای از این دستاوردهاست. اما مسئله هفت تپه با تداوم وضع موجود، حتی با خلع اسدبیگی و جایگزینی کارفرمائی دیگر حل نمی شود. این کشمکش ادامه دارد. مسئله گری که در سخنان کارگران مرتباً تاکید می شود و در رسانه ها و توسط حکومتی ها انکار و تحریف می شود، عبارت از واگذاری هفته تپه به وزارت کشاورزی، تامین و تضمین نظارت کامل کارگران بر این تحول و در تداوم آن است. کارگران میگویند به دولت و عملکرد وی اعتماد ندارند لذا اعمال نظارت کارگران امری ضروری و غیر قابل گذشت است. در عین حال دولت موظف به بازسازی کل لطمات وارد شده تاکنونی بر شرایط کار و قراردادهای تامین سرمایه و نیازهای تولید است.

هفت تپه روزنه ای است که از دریچه ای آن میتوان منظره جنبش کارگری و مسائل مرکزی آنرا را نگاه کرد. اعتصابات گسترده کارگری در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، پروفیل ساوه و هپکو، اعتصاب و اعتراض پرستاران و معلمان و کارگران شهرداریها تا راه آهن و بخش های مختلف دیگر، اساساً روی همین مشکل اساسی متمرکز است. هفت تپه راهی را می رود و مسئله ای را برجسته کرده است که کمابیش گریبان بخش مهمی از طبقه کارگر ایران را گرفته است. تداوم کشمکش در هفت تپه در عین حال به اعتصابات کارگری نیرو میدهد و از آنها نیرو می گیرد. زنده باد اعتصاب و رزم هفت تپه قهرمان!

#### حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۲۹ مرداد ۱۳۹۹ - ۱۹ اوت ۲۰۲۰

#### زنده باد مجمع عمومی

#### و اعمال اراده مستقیم و مستمر کارگران!

امروز چهارشنبه ۲۹ مرداد، کارگران هفت تپه در شصت و ششمین روز اعتصاب همچنان بر تحقق خواستههایشان پای فشردند. امروز در تهران جلسه سوم کمیسیون اصل نود مجلس با نمایندگان کارگران هفت تپه برگزار شد. جلسه چهارشنبه هفته قبل مصوباتی داشت از جمله: پرداخت حقوقهای اردیبهشت و خرداد، تمدید دفترچه های بیمه، بازگشت به کار کارگران اخراجی و خلع ید از اسد بیگی کارفرمای هفت تپه. اینها قرار بود طی یک هفته توسط نهادهای مختلفی عملی شود. امروز حقوقهای اردیبهشت و خرداد کارگران واریز شد، البته هنوز حقوق کارگران فصلی نی بُر واریز نشده است. کارگران هنوز حقوق ماههای تیر و مرداد را طلب دارند. تمدید بیمه کارگران تا پایان سال جاری قرار است تا آخر مرداد یعنی یکی دو روز آتی صورت گیرد. در مورد بازگشت به کار کارگران اخراجی از جمله اسماعیل بخشی، محمد خنیفر، ایمان اختری، سالار بیژنی و تعدادی دیگر، در جلسه امروز هیچ گزارشی داده نشد. همینطور قرار بود رئیس سازمان خصوصی سازی و دولت امروز تصمیم نهائی برای خلع ید از اسدبیگی ها را اعلام کند که زیر وعده شان زدند و نماینده دولت یکماه فرصت "برای اظهار نظر دقیق" در اینمورد خواست. مجلس یک فرصت پانزده روزه داد که این تصمیم عملی شود و تهدید استیضاح وزیر صنعت را هم ضمیمه آن کرد.

جلسه امروز چهارشنبه با جر و بحث بین اعضای مجلس و وزارتخانه ها سپری شد و علیرغم تلاش کارگران، نایب رئیس مجلس با وقاحت تمام هیچ فرصتی را برای اظهار نظر نمایندگان کارگران اختصاص نداد. یعنی در این جلسه عملاً به کارگران توهین شد و نمایندگان کارگران هفت تپه نتوانستند حرف بزنند. دیروز جهانگیری معاون روحانی نیز به کارگران بی حرمتی کرد. وی به نمایندگان مجلس انتقاد کرد که "چرا با کارگران جلسه می گیرند، چون مطالبات آنها بالا میرود و پر رو می شوند!" آقای حسن کهنگی یکی از نمایندگان کارگران امروز در مقابل فرمانداری در سخنرانی اش خطاب به جهانگیری گفت: "پررو توئی، وقیح توئی که کارگر را ابزار کار و برده فرض کردی!" او اضافه کرد که "در ایران هنوز برده داری رایج است!" همزمان با جلسه تهران و اجتماع مقابل فرمانداری شوش، هیئتی از جمله عمرانی معاون دادستان کشور و زالی معاون وزارت صنعت، معدن و تجارت با تعدادی دیگر به کارخانه آمدند. فیلم گرفتند و تلاش کردند خودشان را قهرمان پرداخت حقوق ها و حلال مشکلات هفت تپه و "بازگشت به وضع عادی" معرفی کنند! در دو روز اخیر از کارفرما تا مقامات استان، از استاندار و امام جمعه و نماینده مجلس برای مصاحبه کردن و اعلام خبر پرداخت حقوق ها و "حل مشکل کارگران" مسابقه گذاشته بودند و هر کسی میخواهد این "فتح بزرگ" را به نام خود ثبت کند!

در کارخانه کارگران با عصبانیت به استقبال نمایندگان قوه قضائیه و دولت رفتند. هم در کارخانه و هم در مقابل فرمانداری کارگران تاکید کردند که حقوق را باید زودتر و سر موعد می پرداختید، هنوز هم



مبارز را به مطالعه مستقیم مبحث "مجمع عمومی، شورا، سندیکا" و مجموعه مصاحبه ها و نوشته های منصور حکمت حول آن فرامیخوانم. این اسناد و نوشته ها در سایت منصور حکمت قابل دسترس است.

### مجمع عمومی، شورا پاسخ کدام گرایش و به کدام نیاز؟

طبقه کارگر در جدال طبقاتی دایمی و مستمر خود با بورژوازی علاوه بر حزب و تشکل حزبی به تشکل توده ای موثر و متحد کننده توده وسیع کارگران نیازمند است. در پاسخ به این نیاز جنبش کارگری جهانی و جنبش کارگری ایران هم، اشکال مختلفی از تشکل توده ای و از جمله در سطح ماکرو و کلی دو شکل و شیوه را تجربه کرده است. سنت و شکل شورایی و سنت و شکل اتحادیه ای و سندیکایی. این اشکال متفاوت سازمانیابی توده ای خودبخودی عرض اندام نکرده و تجربه نشده اند. هر یک از این دو شکل آلترناتیو پیشنهادی یک گرایش جا افتاده در جنبش کارگری جهانی و در ایران است. مجمع عمومی و شورا، آلترناتیو گرایش رادیکال و کمونیستی برای سازمانیابی توده ای کارگران و سنت و سازمان اتحادیه ای و سندیکایی آلترناتیو گرایش رفرمیستی است. گرایش رادیکال و سوسیالیستی علاوه بر تلاش دایمی برای بهبود شرایط کار و زندگی طبقه کارگر، علاوه بر پیگیری مداوم و قاطع خواسته ها و مطالبات اقتصادی و به معنای دیگر پافشاری برخواسته و مطالباتی که در چهارچوب رفرم میگذرد، در تمایز و حتی تقابل با گرایش رفرمیستی درون طبقه کارگر، اما افق مبارزه و تلاش طبقاتی خود را در سطح رفرم و مبارزات اقتصادی و صنفی محدود نمیکند. بلکه همه وجوه مبارزه طبقه کارگر، از تلاش برای تحقق مطالبات اقتصادی و صنفی، تا تحقق خواسته های سیاسی و ایجاد تغییر انقلابی و دگرگونی اساسی و تحقق انقلاب کارگری را نمایندگی میکند. این گرایش دست به ریشه میبرد و براین اساس در عرصه سازماندهی توده ای شکل و الگوی رادیکالی را از خود بیرون داده، که در تمایز با اتحادیه و سندیکا صرفا خود را محدود به مبارزه اقتصادی و صنفی، نمیکند، بلکه ظرفیت نمایندگی کردن همه وجوه مبارزه طبقه کارگر و افق و سیاست رادیکال و اتکا به دخالت مستقیم آحاد طبقه کارگر را در تعیین سرنوشت خود دارد. این شکل، سنت جنبش مجمع عمومی و شورایی است.

### نقطه عزیمت جنبش مجمع عمومی و شورایی:

تجمع و گردهمایی طبیعی توده کارگر در محل کار و کارخانه و رشته کارگری، نقطه عزیمت ایجاد مجمع عمومی و شورایی است. تجمع و گردهمایی هر روز کارگران هفت تپه در اعتصاب ۶۸ روزه اخیر اهمیت این مساله را به اثبات رسانده است. اینکه هر روز در محل تجمعشان در "سنگر" و یا در مقابل فرمانداری شوش، آنزمان که با صدای رسا اعلام میکنند "تصمیم آنها جمعی و همین جا اتخاذ میشود" دارند دایر بودن مجمع عمومی تصمیم گیرنده خود را اعلام میکنند. دارند تشکل پایه خود را رسمیت میدهند. برای ذهنیت و کسانی که تشکل را با دفتر و دستک و بعضا ساختار بالای سر کارگر و به درجه ای پیچیده میفهمند، احتمالا این شکل مجمع عمومی در برگزیده آحاد کارگر را تشکل ندانند. اما برای کارگر درگیر مبارزه، چنین ظرف ساده و سر راست متحد کننده همقطاران و همکاران بسیار با ارزش و تجارب غنی اعتصابات کارگری متکی به مجمع عمومی کارگری این را به خوبی نشان میدهد. ساختار غیر پیچیده و غیر بوروکراتیک مجمع

## جنبش مجمع عمومی و شورایی

### تقدیم به اعتصابات کارگری جاری و کارگران هفت تپه

#### رحمان حسین زاده

سازماندهی مجمع عمومی و ایجاد شوراها در عرصه سازمانیابی توده ای کارگری میرود به جهت گیری اصلی گرایش رادیکال جنبش کارگری تبدیل شود. این اتفاق مهمی در مبارزات جاری کارگری است، اما غیر منتظره نیست. چون ایجاد مجمع عمومی کارگری و شوراها از مقطع انقلاب ۵۷ به بعد و تاکنون در جنبش کارگری سابقه و پیشینه مهمی دارد. در فضای انقلابی و مبارزاتی سالهای ۵۷ تا سرکوبهای خشن سال ۶۰ برگزاری مجمع عمومی و ایجاد شوراها در بخش عمده کارخانه ها و مراکز کلیدی کارگری مهم شکل گرفت. شوراها بر مجمع عمومی و شرکت مستقیم آحاد کارگر محل کار متکی بودند. تجربه جدید و مهم این بود که شوراها صرفا فابریکی و محدود به یک کارخانه و یک مرکز و رشته کارگری نماندند و براساس منافع طبقاتی فراتر رفتند و روند اتحاد شوراها در جنبش کارگری آن مقطع در جریان بود. از جمله از موارد برجسته میتوان به سازمانیافتن "کانون شوراها شرق تهران" و ایجاد "شورای متحده کارخانجات غرب تهران" و تجربه مهم دیگر "اتحاد شوراها ۴۰ کارخانه گیلان" اشاره کرد. طبقا جمهوری اسلامی شوراها و تشکلهای مستقل کارگری را تحمل نکرد. با اتکا به ابزار سرکوب و بهره گرفتن از فضای "جنگ با عراق" و "حربه" دفاع از میهن اسلامی" شوراها و تشکلهای مبارزات کارگری را همگام با دیگر بخشهای معترض جامعه سرکوب کرد. لازمست یادآوری شود، بنی صدر امروز لباس اپوزیسیون به تن کرده، آن دوران در لباس "رئیس جمهور اسلامی" در تلویزیون دولتی خطاب به کارگران تهدید کرد، "شورا پورا مالیده، تولید کن جانم". با وجود همه سرکوبگریها و ترندهای ضد کارگری بعد از سرکوبهای خشن سال ۶۰ تا مدتی ادامه کاری شوراها در بعضی مراکز کارگری حفظ شد، فعالیت شورای کارخانه های شاهو و پوشاک در سندانج حتی تا سال ۱۳۶۴ ادامه پیدا کرد.

با اتکا به چنین سابقه ای از سازمانیابی مجمع عمومی و شورایی، کارگران در چهار دهه اخیر با دور زدن قوانین ضد کارگری، هزاران مورد اعتصابات کارگری را سازمان داده اند و در بطن این اعتصابات و مبارزات مجمع عمومی خود را برگزار کرده اند. میخواهم تاکید کنم، سنت مجمع عمومی و شورایی به درجه ای جا افتاده و استمرار پیدا کرد. این واقعیت بازتاب موقعیت موثر سوسیالیسم کارگری درون جنبش کارگری ایران است. با اتکا به این واقعیت و تجارب جهانی جنبش شورایی، رهبر جنبش کمونیسم کارگری منصور حکمت ۳۳ سال قبل (سال ۱۳۶۶) به شکل جامع و منسجمی مبحث جنبش مجمع عمومی، و شورایی را تدوین و به جنبش کمونیستی و کارگری ارائه کرد. تردیدی نیست تدوین آن مبحث و تلاشهای سیاسی و عملی حول آن در گسترش هدفمند ایجاد مجمع عمومی و تقویت جنبش شورایی نقش مهمی داشته و دارد. بر اساس آن مبحث به سهم خود در ادامه و در اینجا مطلوبیت و مبرمیت دامن زدن به جنبش مجمع عمومی و شورایی را یادآوری میکنم. همین جا رهبران و فعالین کارگری و همه کارگران



## جنبش مجمع عمومی و شورایی

تقدیم به اعتصابات کارگری جاری و کارگران هفت تبه ...

عمومی یک خصلت مثبت و مهم مجمع عمومی است.



در عین حال که اهرم سازمانیافتگی کارگر برای پیشبرد خواسته های اقتصادی و به کرسی نشاندن مطالبات فوری و جاری و به این معنا ایجاد بهبود در شرایط کار و زندگی است، همزمان ارگان اعمال قدرت کارگری در پروسه جابجایی قدرت و به ویژه در فردای ساقط کردن حاکمیت بورژوازی و جانشین کردن قدرت کارگری و حاکمیت شورایی است. به این ترتیب شورا بر خلاف سندیکا هم ابزار مبارزه هم ارگان اعمال قدرت طبقه کارگر است. این یک تفاوت پایه ای سازماندهی شورایی در تمایز با سنت سندیکایی است.

### گام بلند: دامن زدن به جنبش مجمع عمومی

واقعیت شورانگیز اینست که در دوره چند ساله اخیر جنبش کارگری، رهبران و پیشروان روشن بین کارگری ابتکار سازماندهی مجمع عمومی را به دست گرفته اند و مهمتر پرچم "اداره شورایی" و فراخوان به ایجاد شوراها را در جنبش کارگری و فراتر از آن در فضای جنبش اعتراضی رادیکال گسترش داده اند. این تحول مهمی است و لازمست این روند را آگاهانه و نقشه مند ادامه داد. در تداوم این وضعیت اکنون وقت آنست به جنبش مجمع عمومی دامن زد. ایجاد مجامع عمومی به عنوان یک جنبش گسترده و همه گیر آن گام بلند و تعیین کننده ای است که لازمست برداشته شود. گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری موجب تغییر مساعدتر تناسب قوا و لاجرم ایجاد شرایط مساعدتر برای دامن زدن به جنبش مجمع عمومی و ایجاد شوراها است. به عنوان یک پدیده مکمل در عین حال تضمین پیشروی و پیروزی اعتراضات کارگری گسترش یافته با اتکا به جنبش مجمع عمومی بسیار تضمین شده تر خواهد بود.

کلام آخر در مورد خصوصیات برجسته و مطلوبیت جنبش مجمع عمومی و شورایی جنبه های مهم دیگری مانده که لازمست در مورد آنها نوشت و بحث کرد، به منظور پرهیز از طولانی شدن بیشتر این نوشته، موارد باقیمانده را به مطالب دیگر واگذار میکنم.

\*\*\*

**اعدام**

**قتل عمد دولتی است!**

**مجمع عمومی منظم و سازمانیافته، شورای پایه است!**  
مجمع عمومی اولیه در هر مرکز و محل و رشته کارگری تشکل اولیه مهمی است. در تناسب قوای نامساعد تاکنونی اما کارکرد مجمع عمومی اولیه به مقطع اعتصاب و اعتراض محدود مانده است. ادامه کاری و منظم و سازمانیافته شدن مجمع عمومی در هر مرکز و رشته کارگری همیشه ضروری بوده و در دوره جدید جنبش کارگری حیاتی است. مسائل و مشکلات کارگران محدود به دوران اعتراضات و اعتصابات نیست، بلکه رسیدگی به معضلات موجود استمرار و پیگیری مجمع عمومی کارگران را میخواهد. به این معنا تلاش برای منظم و سازمانیافته کردن مجامع عمومی یک وظیفه مهم رهبران و پیشروان کارگری است. مجمع عمومی منظم و سازمانیافته یعنی شورای پایه کارگری. برای مثال مجمع عمومی هر روزه کنونی کارگران هفت تبه چنانکه بعد از پایان اعتصاب اخیر بتواند ادامه کاری خود را حفظ کند و هر دو هفته و یا یک ماه یکبار اجتماع تصمیم گیرنده خود را برگزار کند، عملاً شورای کارگران هفته ایجاد و محکم میشود. جا افتادن شورای پایه مراکز کارگری جهش بزرگ در جنبش کارگری خواهد بود.

### مجمع عمومی و شورا ابزار اعمال اراده مستقیم!

مطلوبیت مجمع عمومی و شورا زمانی برجستگی بیشتری پیدا میکند که ظرف شرکت مستقیم آحاد کارگران در تجمع و تصمیم گیری مربوط به شرایط کار و زندگی و مبارزه شان است. کارگران هر مرکز و رشته کارگری مستقیماً در مجمع عمومی و اجتماعات آن شرکت میکنند، نظر و رای خود را اعلام میکنند. جمعی تصمیم میگیرند و جمعی به آن متعهد میشوند. نمایندگان خود را مستقیماً انتخاب میکنند و هر وقت ضرورت پیدا کرد، در جلسات بعدی خود میتوانند نمایندگان را عزل و نمایندگان جدید را انتخاب کنند. این یک خصلت تعیین کننده در راستای اعمال اراده کارگری است.

### مجمع عمومی قسمتهای مختلف مراکز کارگری بزرگ

این سؤال واقعی مطرح است در مراکز کارگری بزرگ از جمله مثلاً از دو هزار نفر به بالا چگونه میتوان مجمع عمومی و شورای پایه تشکیل داد و تصمیم گرفت. اینجا است که سازماندهی مجمع عمومی و شورایی قسمتهای مختلف در هر مرکز کارگری ضرورت پیدا میکند. نمایندگان منتخب مجمع عمومی و شورای هر قسمت، در لایه بالاتر، در مجمع عمومی نمایندگان منتخب قسمتهای مختلف، اتحاد و همبستگی کل مرکز کارگری را تأمین خواهند کرد. ساختار منعطف و خلاق مجامع عمومی ظرفیت به هم بافتن بخشهای مختلف مراکز کارگری بزرگ را دارد.

شورا، ابزار مبارزه و ارگان اعمال قدرت

یک ظرفیت و استعداد مهم شورا و جنبش شورایی این خصلت است که

## ۲۸ مرداد تاریخ دو جنایت، دو سرکوب

از این تاریخ باید آموخت!

آذر ماجدی



سال هم دوام نیاورد و رژیم اسلامی عملاً به خشونت‌های عنان گسیخته، سرکوبی خونین و کشتار صدها هزار نفر متوسل شد. فرمان سرکوب خونین خمینی در ۲۸ مرداد ۵۹ یک پرده از این سرکوب و کشتار بود. فرمان خمینی با دستور بنی صدر، رئیس جمهور وقت به ارتشیان پی گرفته شد: "چکمه هاپتان را از پا درنیاورید تا این غائله خوابیده شود!"

دهه شصت از خونین‌ترین مقاطع تاریخ ایران است. صد هزار اعدام، بمباران و حمله به کردستان، کشتار جوانان و نوجوانان در جنگ با عراق صحنه‌های دردناکی از سرکوب انقلاب ناکام ۵۷ است. طی چهل و دو سال حاکمیت رژیم منحوس اسلامی مردم از هر فرصتی برای ابراز نفرت خویش بهره جسته‌اند. برای حق خود مبارزه کرده‌اند. و اکنون دو سال و نیم است که مردم یک نفس در حال جنگ با این نظام‌اند. این جنگ دارد به نقطه اوج خود نزدیک می‌شود. اعتصاب‌های کارگری و به مصاف طلبیدن رژیم توسط طبقه کارگر روز نهایی را نزدیک تر ساخته است.

اما باید توجه داشت که بورژوازی جهانی، دولت‌های غربی و بورژوازی ایران چه در حکومت و چه در اپوزیسیون ساکت نخواهند نشست. آنها به آسانی اجازه نخواهند داد که این سفره رنگین از مقابلشان جمع شود. یک قرن با کودتا و سرکوب و شکنجه و اعدام به حیات ننگین شان ادامه داده‌اند. هر گاه مردم آزادیخواه و برابری طلب بپا خاسته‌اند تمام نیروی خود را جمع کرده و دست در دست هم صدای حق طلبانه مردم را در گلو خفه کرده‌اند. این بار نیز بیچار نخواهند نشست و می‌بینیم که نشستند.

تلاش‌های دولت‌های غربی، بویژه آمریکا، برای رژیم پنج آشکار و عیان است. مدام مشغول رهبر سازی و شکل دادن به آلترناتیوهای ارتجاعی‌اند. اگر تا امروز این رژیم پنج شکل نگرفته است از اینرو است که جامعه را می‌شناسند و آگاهند که این بار مردم به آسانی زیر بار رژیم پنج و کودتا و سناریو سازی و رهبر سازی نخواهند رفت. ولی دست بردار نیستند.

ما آزادیخواهان و برابری طلبان، ما کمونیست‌ها و مبارزین یک دنیای بهتر، یک دنیای آزاد، برابر و مرفه باید از تاریخ بخوبی بیاموزیم. باید آگاه و بیدار، متحد و متشکل نه تنها با رژیم اسلامی بجنگیم؛ بلکه در مقابل آلترناتیو سازی‌ها و کودتاهای احتمالی نیز آماده و حاضر به یراق باشیم. طبقه کارگر هر روز آگاه تر به میدان می‌آید. هفت تپه به مرکز این قدرت بدل شده است. افشای هر روزه رژیم و دزدان بر قدرت لمیده توازن قوای طبقاتی را کاملاً تغییر داده است. یک نبرد آشکار میان طبقه کارگر و رژیم اسلامی در جریان است. کارگران در مجامع عمومی شان حرف و رای خود را اعلام می‌کنند و برای به کرسی نشاندن آن متحدانه می‌جنگند. این شرایط در تاریخ جامعه ایران بی سابقه است. جامعه رشد و بلوغ طبقاتی بسیاری یافته است. این نقطه قوت ماست. باید بر این نقطه قوت سازمان‌ها و تشکلات خود را بسازیم. اتحاد و همبستگی مان را محکم تر سازیم و برای حمله آخر خیز برداریم. زنده باد انقلاب کارگری!

۲۰ اوت ۲۰۲۰

۲۸ مرداد یک روز سیاه در تاریخ ایران است. دو جنایت خونین، دو سرکوب سیاسی تاریخی به فاصله ۲۷ سال در این روز بوقوع پیوسته است. اما چه چیز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را به ۲۸ مرداد ۱۳۵۹ وصل می‌کند؟ تلاش بورژوازی و حکومتش برای سرکوب مردمی که برای یک جامعه عادلانه تر، آزاد تر و برابرتر بپا خاسته بودند. تاریخ ایران در قرن بیست از یک سو تاریخ تلاش مردمی است که برای ایجاد یک جامعه عادلانه و آزاد مبارزه می‌کنند؛ و از سوی دیگر تاریخ سرکوب خشن و خونین این مردم توسط بورژوازی، حکومتش و بورژوازی بین المللی. لازم نیست که به تاریخ جهان بنگریم؛ تاریخ یک قرن اخیر ایران این حکم مانیفست کمونیست را بروشنی اثبات می‌کند: "تاریخ تمام جوامع موجود تاریخ مبارزه طبقاتی است... ستمگر و ستمکش با یکدیگر در تضاد دائمی بوده و به مبارزه ای بلاانقطاع، گاه نهان و گاه آشکار ... دست زده‌اند!"

۲۸ مرداد ۱۳۳۲ کودتای سازمان یافته توسط آمریکا با همکاری دولت انگلستان محمد رضا پهلوی را که تحت فشار خیزش مردم از کشور فرار کرده بود به قدرت بازگرداند. این کودتا آغازگر دوره ای سیاه از سرکوب و اختناق، سازمان مخوف ساواک، شکنجه و اعدام بود که بالاخره بدنبال انقلاب مردم در سال ۵۷ به زیر کشیده شد. ۲۸ مرداد ۱۳۵۹ روز فرمان خونین خمینی و یورش به کردستان برای سرکوب مردم بپا خاسته و کمونیست‌هایی بود که مسلحانه در مقابل رژیم قد برافراشته بودند. کمتر از یک سال پس از این یورش کشتار مخالفین و کمونیست‌ها بطور سازمان یافته در کل کشور آغاز شد و بدین سان کلیه دستاوردهای انقلاب ۵۷ نابود گردید.

بدین ترتیب ۲۸ مرداد بعنوان یک روز سیاه و خونین در تاریخ ایران به ثبت رسید. این واقعیت که دو سرکوب تاریخی در یک روز رخ داده است، یک تصادف و یک طنز تلخ تاریخی است. اما در عین حال این امکان را بوجود آورده است تا با بازگشت به این روز، تا با تعمق درباره ریشه‌های این جنایات درس‌های مهمی از تاریخ بیاموزیم. این روز سیاه را نباید فراموش کرد. باید به آن بعنوان نقطه رجوع درک و شناخت ظرفیت‌های بیگران بورژوازی برای صیانت استثمار خشن و حفظ قدرت خویش نگریست.

دو رژیم سلطنت پهلوی، پدر و پسر، و اسلامی با طرح و نقشه و امداد دولت‌های امپریالیستی برای خفه کردن صدای حق طلبانه مردم به فغان آمده به قدرت رسیدند. رضا و محمد رضا پهلوی با کودتای انگلستان و آمریکا در قدرت خزیدند و خمینی با یک طرح حساب شده دولت‌های امپریالیستی بسرکردگی آمریکا برای سرکوب انقلاب ۵۷ از اروپا به ایران وارد شد. بقول منصور حکمت خمینی وارداتی ترین کالای سیاسی به ایران بود که تحت نام "فرهنگ اسلامی مردم" به آنها قالب شد.

درست است که مردم در ابتدا این روایت را خریدند. اما این پذیرش دو

## چهل و یک سال گذشت!

(به مناسبت ۲۸ مرداد ۵۸ روز هجوم نظامی به کردستان)

رحمان حسین زاده



اسلامی خود، مضحکه "رفراندوم آری یا نه" به جمهوری اسلامی را سازمان داد. (مردم کردستان در مضحکه رفراندوم شرکت نکردند) حمله و کشتن مردم در ۲۳ تیر مریوان و دهها طرح و توطئه ارتجاعی دیگر را در سراسر ایران و کردستان به اجرا گذاشت. حاصل مجموعه این اقدامات و حمله نظامی به کردستان، در راستای سرکوب انقلاب و تحمیل حاکمیت بورژوا اسلامی مورد حمایت قدرتهای جهانی و ارتجاع محلی بود.

اما این یک تصویر از تحولات مهم آن دوره است. تصویر مهمتر شکل گیری مقاومت و مبارزات توده ای و مسلحانه در دفاع از دستاوردهای آزادیخواهانه انقلاب ۵۷ و مقابله با تعرض جمهوری اسلامی به اراده مردم کردستان برای به دست گرفتن سرنوشت خود بود. عروج جنبش مقاومت توده ای و مسلحانه در مقطع ۲۸ مرداد ۵۸ و بعد از آن اساسا به ابتکار کمونیستها و کومه له آن وقت ممکن شد. بیانیه "خلق کرد در بوته آزمایش" که توسط رهبری وقت کومه له صادر شد، از نظر من مانیفست و پلاتفرم اولیه شکل دادن به جنبش مقاومت توده ای و مسلحانه به ابتکار کمونیستها در آن دوره بود. به نظر من اگر قطب چپ و مشخصا کومه له در آن مقطع تصمیم به سازماندهی مقاومت و تداوم مبارزه در ابعاد توده ای و مسلحانه را نمیگرفت، قطب راست و مشخصا حزب دمکرات کردستان به چنین کاری دست نمیزد. این فقط ادعای تحلیلی من نیست، کارکرد حزب دمکرات در مقطع انقلاب ۵۷ و ضدیت و کارشکنی او در مقابل مبارزات رادیکال توده کارگر و مردم زحمتکش و برای مقابله با قدرتمند شدن شدن نیروها و ترند چپ و سوسیالیستی در چند ماهه قبل از تهاجم ۲۸ مرداد با دهها فاکت بزرگ سیاسی و اجتماعی که در حافظه جامعه و ما فعالین سیاسی و مبارزین آن دوره ثبت شده این واقعیت را اثبات میکند. به سهم خود بارها در این مورد نوشتم و اگر لازم باشد این واقعیت را برای نسل جوان و مبارز این دوره دوباره بازگو میکنیم. حزب دمکرات در آن دوره طبق هدف و پلاتفرم شناخته شده ناسیونالیسم کرد در تلاش برای شریک شدن در قدرت سیاسی با حاکمیت اسلامی تازه به قدرت رسیده، با اندک امتیازات سیاسی و فرهنگی بود. بر روی این موضوع مانور میکرد. خود را برای سازماندهی و مقاومت توده ای و مسلحانه آماده نکرده بود، بلکه به آن تحمیل شد. همین جا لازمست تاکید کنم، در بطن تظاهرات توده ای علیه رژیم سلطنت و برای سرنوشتی آن و سپس در تداوم مبارزه انقلابی علیه جمهوری اسلامی و ارتجاع محلی جنبش رادیکال و سوسیالیستی مبتکرانه و متفاوت و متمایز از جنبش ناسیونالیستی و راست جامعه کردستان در صحنه حاضر بود. از آن دوره تاکنون صحنه مبارزه سیاسی کردستان شاهد عرض اندام دو جنبش متفاوت از هم، در یک طرف جنبش چپ و سوسیالیستی و در طرف دیگر جنبش راست و ناسیونالیستی است.

لازمست تاکید کنم که سازماندهی مقاومت مسلحانه و مبارزات توده ای در مقابل جمهوری اسلامی، جایگاه بسیار مهمی در سد کردن تعرض افسار گسیخته رژیم برای سرکوب سریع و شتابان سنگر انقلاب و مبارزه مردم کردستان و ایران داشت. تعرض نظامی جمهوری اسلامی بعد از سه ماه شکست خورد. پیروزی برای مقاومت و مبارزه حق

چهل و یکسال از دستور "جهاد" خمینی جنایتکار علیه مردم کردستان گذشت. جنبش و مبارزات رادیکال و چپ گرایانه مردم در کردستان (و نه یک جنبش همه با هم) در مقطع انقلاب بهمن ماه ۵۷ و در چند ماهه بعد از آن در واقع تداوم مبارزات رادیکال و انقلابی علیه استبداد و ارتجاع تازه به قدرت رسیده و در دفاع از اهداف آزادیخواهانه ای بود که نیروهای آزادیخواه و رادیکال و چپ در سراسر ایران و کردستان در انقلاب ۵۷ مدنظر داشتند. نیروهای آزادیخواه به درست عنوان، "سنگر انقلاب" را بر روی تداوم مبارزه رادیکال مردم در کردستان گذاشته بودند. هدف بلاواسطه و عاجل هجوم نظامی جمهوری اسلامی به دستور خمینی جنایتکار در ۲۸ مرداد ۵۸ و تصرف شهرهای کردستان توسط ارتش و سپاه پاسداران تلاش برای سرکوب این سنگر انقلاب مردم ایران و کردستان بود. حمله به دستاوردهایی بود که به همت جنبش رادیکال، آزادیخواهانه و چپ در حیات سیاسی و اجتماعی مردم کردستان در همان چند ماه به دست آمده بود. در آن مدت کوتاه آزادیهای وسیع سیاسی، اتحاد و تشکل کارگری و توده ای، اعمال اراده مستقیم توده کارگر و مردم در اداره امور جامعه و به دست گرفتن سرنوشت خود بخشا از کانال شوراها و نهادهای مستقیما مورد انتخاب و مسلح خود، جنب و جوش وسیع مبارزاتی توده کارگر و زنان و مردان زحمتکش شهر و روستاها، گسترش و تعمیق مبارزه طبقاتی و ارتقاء خودآگاهی طبقاتی و سیاسی و حق طلبانه، تقابل با ارتجاع مذهبی و غیر مذهبی محلی و جنبشها و سنتهای عقب مانده، نقد و افشای هر چند نارسای ناسیونالیسم و حزب دمکرات به عنوان تحزب آن، به میدان آمدن وسیع زنان به عرصه مبارزات سیاسی و اجتماعی، پایان گرفتن عملی ستم ملی و در یک تصویر کلی پایان استبداد و اختناق و دیکتاتوری و پایان اعمال حاکمیت از بالای سر مردم ولو کوتاه مدت تجربه شد.

اینها دستاوردهایی بود، که ضد انقلاب اسلامی تازه به قدرت رسیده و ارتجاع محلی ظرفیت تحمل آن را نداشتند. به همین دلیل از همان فرای انقلاب ۵۷ هیئت حاکمه بورژوایی و ارتجاعی جدید با دولت موقت و بعدا غیر موقت آن و با همگامی ارتجاع مذهبی و مکتب قرآنی، و آخرین پس مانده های عشایر و فئودالها و قیاده موقت علیه مردم کردستان و دستاوردهای پیشرو آن مداوما توطئه چینند. نهایتا حمله نظامی به کردستان این روند قدرتمندتر شدن صف آزادیخواهی و تداوم انقلاب با پتانسیل قوی چپ را قیچی کرد. ناگفته نماند حمله نظامی به کردستان در ۲۸ مرداد ۵۸ خلق الساعه اتفاق نیفتاد. قبل از آن جمهوری اسلامی تعرض به زنان و حقوق زنان، حمله به کارگران بیکار تهران و اصفهان در همان اول ماه قدرت گیری خود در اسفند ۵۷ را سازمان داد. در ادامه در فروردین و بهار ۵۸ جنگ خونین سنج و ترکمن صحرا را سازمان داد. سرکوب و اسلامی کردن دانشگاههای سراسر ایران را در دستور گذاشت. حمله به سازمانهای چپ و رادیکال سراسری را در دستور گذاشت. به منظور تحمیل حاکمیت سپاه و

## اعلامیه حزب حکمتیست

## جعفر عظیم زاده و زندانیان سیاسی باید آزاد شوند!

در اطلاعیه مورخه ۱۹ مرداد عنوان کردیم که تعدادی از زندانیان بند هشت زندان اوین دچار بیماری کرونا شدند و بدنبال تست کرونا از ۱۷ نفر از زندانیان در روز یکشنبه ۱۹ مرداد اعلام شد که تست ۱۲ نفر از ۱۷ نفر مثبت بوده و به ویروس کرونا مبتلا شدند. از میان این زندانیان اسماعیل عبدی معلم زندانی و جعفر عظیم زاده فعال کارگری با وخامت حال به درمانگاه زندان منتقل و بستری شده اند.

روز یکشنبه ۲۶ مرداد بدنبال وخامت سلامت قلبی و ریوی جعفر عظیم زاده، پزشک زندان اعلام میکند که وی باید به بیمارستان طالقانی اعزام شود. مأمورین زندان اوین او را بجای بیمارستان به زندان رجایی شهر و سلول انفرادی منتقل میکنند. همزمان تلفنهای زندانیان کرونایی بمدت ۲۴ ساعت قطع می شود و امکان خبرگیری از همدیگر بسته می شود. زندانیان سیاسی اسماعیل عبدی، داوود میرسالاری، محسن قنبری و بیژن تسلیمی در اعتراض به قطع تلفن و برای پیگیری وضعیت جعفر عظیم زاده، جلوی معاونت زندان تجمع و اعتراض می کنند.

جعفر عظیم زاده در ملاقات امروز چهارشنبه ۲۹ مرداد به خانواده اش اطلاع داد؛ "در اعتراض به فریب و انتقال به انفرادی زندان رجایی شهر به جای بیمارستان، عدم رعایت پروتکل های بهداشتی در مقابله با بیماری کرونا و نشر اخبار دروغ مبنی بر عدم بیماری کرونا در زندان اوین از طریق اخبار ۲۰:۳۰ و همکاری مسئولین زندان و علی الخصوص پزشک بهداری برای پنهان نگه داشتن شیوع کرونا در زندان و مشارکت در سلب حیات زندانیان و فریب اذهان عمومی، بیخبری خانواده و آزار و شکنجه روحی آنان و سرگردانی خانواده در بیمارستانهای شهر تهران، از بدو انتقال به سلول انفرادی زندان رجایی شهر در عصر روز یکشنبه ۲۶ مرداد دست به اعتصاب غذا زده است".

جمهوری آدمکشان اسلامی با استفاده از کرونا و صحنه سازی و ایجاد درگیری های سازمانیافته علیه زندانیان توطئه می چیند و در مواردی موفق به قتل زندانیان سیاسی شده است. جمهوری اسلامی مسئول مستقیم جان و سلامتی زندانیان است و هر اتفاقی در زندان رخ دهد و زندانی به هر دلیلی اعم از بیماری و یا با صحنه سازی آسیب ببیند و یا به قتل برسد، مسئولیت مستقیم آن تماما بعهده حکومت است. با اعتراض جمهوری اسلامی را موظف کنیم که از همه زندانیان تست بگیرد، بیماران را بسرعت در بیمارستانی مجهز بستری و تحت درمان قرار دهد و مابقی زندانیان سیاسی را آزاد کند. جعفر عظیم زاده و کلیه زندانیان سیاسی باید آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۲۹ مرداد ۱۳۹۹ - ۲۰ اوت ۲۰۲۰

## چهل و یک سال گذشت!

(به مناسبت ۲۸ مرداد ۵۸ روز هجوم نظامی به کردستان)...

طلبانه مردم کردستان و نیروهای سیاسی و مسلح به دست آمد. شکست خمینی و ضد انقلاب به قدرت رسیده در جنگ سه ماهه، بسیاری از توطئه ها و معادلات ارتجاعی جمهوری اسلامی را علیه مردم ایران و کردستان به هم زد. نه تنها در کردستان، بلکه در سطح سراسری هم بار دیگر و به نحو تعیین کننده ای تناسب قوا به نفع جبهه مبارزه علیه رژیم اسلامی و به نفع نیروهای رادیکال و انقلابی چرخید. روند سرکوب انقلاب و بازپس گیری دستاوردهای آن در سطح سراسری به شدت کند شد. جنبش کارگری و جنبشهای رادیکال اجتماعی و نیروهای اپوزیسیون و مشخصا نیروهای چپ و سوسیالیست نفسی تازه کردند. فرصت فعالیت و ابراز وجود بیشتر پیدا کردند. این روند تا سرکوب خشن ۳۰ خرداد ۶۰ ادامه پیدا کرد. در خود کردستان بعد از جنگ سه ماهه حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی برچیده شد. مردم شهر و روستاهای کردستان در فضایی آزاد، همانند چند ماهه بعد از انقلاب ۵۷ فرصت به دست گرفتن سرنوشت و اعمال مستقیم حاکمیت خود را ولو کوتاه مدت پیدا کرده و دستاوردهای آن دوره که بالاتر به آن اشاره کردیم، کاملتر و وسیعتر تجربه کردند.

۲۸ مرداد ۵۸ حاوی پیام بسیار مهم و تعیین کننده ای بود. پیام سازماندهی مقاومت و مبارزه برای آزادی و انقلاب. سازماندهی جنبش و مبارزه متفاوت به دور از محاسبات و معامله گریهای جنبش راست و ناسیونالیستی. پیام ممکن بودن سازماندهی جنبش توده ای و اجتماعی سیاسی و نظامی علیه حاکمیت ارتجاع تازه به قدرت رسیده که به نام انقلاب، سرکوب انقلاب مردم ایران را و یکی از حلقه های مهم تداوم آن یعنی مبارزه مردم در کردستان که بدرست کمونیستها و آزادیخواهان ایران نام "سنگر انقلاب" بر آن نهاده بودند را در دستور داشت. چهار دهه قبل دقیقا به همت و ابتکار کمونیستها و آزادیخواهان در کردستان جنبش متمایز و راه متفاوت و امید بخشی پیش پای مردم خواهان تداوم انقلاب و تشنه آزادی و رفاه و سعادت گذاشته شد. اکنون در دوران تعیین کننده و پرتحول کنونی با تجارب بسیار غنی مبارزات رادیکال گذشته و با خودآگاهی و توانایی بیشتر سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری و رفاه را به عنوان هدف فوری خود باید و میتوانیم متحقق کنیم.

\*\*\*

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا برپا کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید!

امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!





## ایجاد سازمانهای کارگری امر خود کارگران است

منصور حکمت

روزمره برای بهبود اوضاع خودشان مبارزه کنند و این محتاج تشکلهای توده‌ای و صنفی کارگران است."

7 بلکه، تا اینجای بحث ما کمونیستها هم موافقیم... و نه فقط این، بلکه میگوییم تشکلهای توده‌ای کارگران تنها ابزاری برای بهبود اوضاع آنها نیست، بلکه همچنین میتواند زمینه‌ای برای بهتر و سریعتر متشکل شدن کارگران تحت سیاست انقلابی طبقه کارگر، یعنی سیاست کمونیستی باشد. ما کمونیستها نه فقط اصلاحات، بلکه حتی انقلاب کارگری را بدون تشکلهای توده‌ای گوناگون کارگران، یعنی بدون تشکلهایی که میلیونها کارگر را در خود جای بدهد عملی نمیدانیم.

8 اما دوست سندیکالیست ما از اینجا نتیجه میگیرد که:

9 "خوب اگر قرار است که تشکیلات توده‌ای کارگران، مثلا سندیکا دنبال خواستهای کارگران را بگیرد، باید با دولت و کارفرما طرف شود. دولت و کارفرما حاضر نمیشوند با تشکیلاتی که رسمیت قانونی نداشته باشد، صحبت کنند. بنابراین ما باید خودمان با زبان خوش از آنها دعوت کنیم که خودشان در تشکیل شوراهای و سندیکاهای ما شرکت کنند. اجازه تشکیل آن را به کارگران بدهند و نماینده بفرستند و بر انتخابات آن نظارت کنند، تا بعد نتوانند باصطلاح دبه دربیابورند و از مذاکره با نمایندگان سندیکا شانه خالی کنند..."

10 اتفاقا ما با همین نتیجه‌گیری مخالفیم. به این میگویند نتیجه‌گیری غلط از مقدمه چینی درست. به این میگویند دوستی خاله خرسه در حق کارگران. چرا؟ برای اینکه:

11 اولاً، باید توجه کنید که هر اصلاحات و هر بهبودی، هر چند جزئی، در زندگی کارگران در جامعه سرمایه‌داری، نتیجه جنبی و فرعی مبارزه انقلابی آنهاست. اگر میخواهید دولت را به مذاکره با کارگران بکشانید، باید قدرت مستقل کارگران را در مقابل دولت و سرمایه‌داران علم کنید. هیچ دولتی، هر قدر هم که عوامفریب باشد، علاقه‌ای به مذاکره با کارگران حرف گوش کن و قانون طلبی که از پیش معلوم باشد دست به اعتصاب و تحسن و تظاهرات و عمل مستقیم نمیزنند، نخواهد داشت. خود شما چند بار شاهد بوده‌اید که دولت در مقابل کارگران شانه بالا انداخته و حتی دست به تهدید و رجزخوانی زده. اما هنگامیکه نیروی مستقل متمرکز و مصمم کارگران را در برابر خود دیده است، وقتی با تهدید و اعتصاب سراسری روبرو شده است، خود با سر دویده و حاضر به مذاکره با نمایندگان واقعی کارگران شده است. از طریق جلب رضایت دولت و کارفرما نمیتوان با آنها مبارزه کرد. کارگران باید قدرت خود را به آنها تحمیل کنند.

12 در مورد تشکیل و رسمیت یافتن شورا و سندیکا هم همین قانون اساسی

نگاهی به خواستههایی که کارگران در طول چند سال گذشته، طی مبارزات خود مطرح کرده‌اند، نکته مهم، و یا در واقع نقطه ضعف و اشتباه مهمی را در کار کارگران پیشرو برجسته میکند. میگوییم کارگران پیشرو، زیرا این دسته از کارگران نقش مهمی در شکل دادن به خواستها و شعارهای مبارزات جاری کارگری دارند و بدون شک در صورتی که این رفقا از یک خط اصولی و حساب شده پیروی کنند، جنبش کارگری گامهای بلندی به جلو بر میدارد.

2 اما این اشتباه چیست؟ دیده‌ایم که در میان خواستهای کارگران از دولت و کارفرما، یعنی در میان خواست‌هایی نظیر کاهش ساعت کار، اضافه دستمزد، تعطیلی پنجشنبه‌ها، سود ویژه، اخراج مدیران حزب الهی و غیره، گاه و بیگاه خواست تشکیل شورا و سندیکا هم مطرح میشود. یعنی کارگران در مواردی از دولت و وزارت کار میخواهند که برای آنها شورا و سندیکا ایجاد کنند، و یا در موارد دیگری، کارگران از وزارت کار میخواهند که نماینده بفرستد تا بر "قانونی بودن" جریان انتخابات شورا و سندیکای آنها نظارت کند.

3 ما کمونیستها با اینگونه درخواست شورا و سندیکا از دولت مخالفیم. هیچ بخشی از طبقه کارگر به اندازه کمونیستها مدافع این نیست که کارگران سازمانها و تشکلهای علنی و توده‌ای خود را بوجود آورند. این لازمه پیشروی طبقه کارگر است. اما ما با این مخالفیم که کارگران تشکیل این تشکلهای، تشکیل شوراهای و سندیکاهای را از دولت و وزارت کار سرمایه‌داران درخواست کنند. ما با این مخالفیم که کارگران از دولت و سرمایه‌داران بخواهند که آنها را متشکل کنند و در اتحادیه‌ها و شوراهای سازمان دهند. ما با این مخالفیم که کارگران با دست خود دولت را بر امر کارگران حاکم کنند و از او بخواهند که بر انتخابات کارگری "نظارت" کند و قاضی "صلاحیت" نمایندگان کارگران بشود.

4 ما میگوییم تشکیل شورا و سندیکا امر خود کارگران است و محتاج اجازه قبلی دولت و نظارت نماینده و یا بازرس موجب بگیر وزارت کار نیست.

5 اما هر سندیکالیست اصلاح طلب و استخوان خرد کرده‌ای که عمری به دنبال حقوق صنفی کارگران دویده باشد قطعاً به این حرف ما اعتراض خواهد کرد. او خواهد گفت:

6 "این یک واقعیت است، و شما کمونیستها هم با آن موافقید، که کارگران به تشکیلات توده‌ای خود نیاز دارند. کارگران نمیتوانند دندان روی جگر بگذارند، شاهد کاهش روزمره دستمزدشان و افزایش فشار کار و محرومیت‌هایشان باشند و هیچ نگویند. و یک روز صبح ناگهان انقلاب کمونیستی کنند، حکومت کارگری بر سر کار بیاورند و همه آنچه را که شما کمونیستها در برنامه‌تان آورده‌اید عملی سازند. کارگران باید بطور

سر نمایندگان و رهبران آن کم شود. اینجا هم این نیروی اتحاد و همبستگی خود کارگران است که میتواند دولت را به تسلیم وادارد.

15

نتیجه هر نوع دخالت دولت در تشکیل شوراهای و سندیکاها از پیش معلوم است. مگر بارها ندیده‌ایم و تجربه نکرده‌ایم که به نام شورا، جاسوسان حزب الهی را به ما تحمیل کرده‌اند؟ مگر ندیده‌ایم و تجربه نکرده‌ایم که نمایندگان واقعی ما را نپذیرفته‌اند و یا حتی دستگیر و اخراج کرده‌اند؟ مگر ندیده‌ایم که حضرات وزارت کار همواره "صلاحیت" کارگران کمونیست و انقلابی را رد کرده‌اند و جلوی انتخاب شدن آنها را با هزار تقلب و دوز و کلک گرفته‌اند؟ آیا قرار است وضع به همین ترتیب بماند و این تجارب تکرار شود؟

16

ممکن است کسی بگوید "این کار، یعنی دعوت دولت به دخالت در تشکیل تشکلهای کارگری از روی ناچاری است. آخر دولت در مقابل کارگران دست بالا دارد". البته بدون شک این هم یک عامل مؤثر در طرح این مطالبه نادرست است. اما ذهنیت "قانون طلب" و سندیکالیستی بخشی از کارگران نیز نقش مهمی در این مساله دارد. کافی است تجربه کارگران چاپ تهران را بیاد بیاوریم. رفقای کارگر چاپ تهران پس از قیام، یعنی وقتی که کارگران کاملاً دست بالا را داشتند، تصمیم گرفتند سندیکای دوران شاه را منحل کنند و سندیکای جدید تشکیل بدهند. نمایندگان سندیکای قبلی مدعی شدند که مدت "قانونی" نمایندگی آنها تمام نشده و تا مرجع قانونی نباشد که دفاتر و اموال و پول سندیکا را تحویل بگیرد، و تا هیات مدیره جدید "قانوناً" مشخص نشده باشد، کنار خواهند رفت. جالب است! در شرایطی که شاه و قوانین و کل دستگاه قانون گذار از دست کارگران مسلح فراری بودند، نماینده سندیکای سلطنتی قانونی بودن خودش را به رخ میکشید! اما جالبتر و مایه تاسف این است که کارگران پیشرو چاپ هم به این استدلال تسلیم شدند. آنها سه ماه هر روز جلسه کردند تا تدارک انتخابات ببینند، در روزنامه‌ها اطلاعیه انتخابات چاپ کردند و از وزارت کار جمهوری اسلامی دعوت کردند که در انتخابات شرکت کند و بر آن نظارت کند. حضرات نمایندگان "قانونی" هم در روز انتخابات مدعی شدند که خود آنها باید بر انتخابات نظارت کنند، زیرا مطابق "قانون" انتخابات را هیات مدیره سابق برگزار میکند. نتیجه چه شد؟ هیچ، آنها حرف خود را پیش بردند و مجدداً هر سه نفرشان دوباره از صندوق رای سر درآوردند. کارگرانی که مسلحانه قیام کرده بودند در برابر توهمات قانون طلبانه خود و تلاش خود برای راضی نگه داشتن وزارت کار زانو زدند و عقب نشین شدند. از اینگونه تجارب باید درس گرفت!

17

ما کمونیستها خواهان استقلال طبقه کارگر در مبارزه‌ایم. ما کمونیستها خواهان آنیم که طبقه کارگر با اتکاء به خود و نیروی مستقل خود برای دست یافتن به خواستهای طبقاتی‌اش متشکل شود و مبارزه کند.

18

ما کمونیستها می‌گوئیم، کارگران! تشکیل شورا و سندیکا کار خود شماسست و نیازی به اجازه دولت و کارفرما و نظارت وزارت کار ندارد.

19

ما می‌گوئیم، اگر همبسته و متحد از تشکیلات خود دفاع کنید، اگر خوندان اول تشکل خود، شورای خود و سندیکای خود را ایجاد کنید و به رسمیت بشناسید و در آن چون تن واحد عمل کنید، آنگاه و تنها آنگاه خواهید توانست رسمیت آن را به دولت، به هر دولتی، تحمیل کنید.

## ایجاد سازمانهای کارگری امر خود

### کارگران است ...

مبارزه طبقاتی حکمفرماست: اصلاحات نتیجه جنبی مبارزه انقلابی است و هر اصلاح و بهبود جزئی را نیز باید به نیروی همبستگی و رزمندگی طبقه کارگر به طبقه سرمایه‌دار و دولت او تحمیل کرد. شورا و سندیکا ابزاری برای مبارزه کارگران در جهت کسب حقوق آنهاست. حقوقی که سرمایه‌داران آن را غصب کرده‌اند و به زبان خوش پس نمیدهند. از طریق جلب رضایت دولت و سرمایه‌دار نمیتوان ابزار مبارزه علیه آنها را بوجود آورد. هیچ دولت بورژوازی برای کارگران شورا و سندیکای واقعی تشکیل نمیدهد و راه انتخاب شدن نمایندگان واقعی و انقلابی کارگران را باز نمیگذارد. ما باید تشکلهای توده‌ای و نمایندگان واقعی خود را به دولت تحمیل کنیم. ما باید به نیروی همبستگی و اتحاد خود کارگران دولت و کارفرما را ناگزیر کنیم که شورا و سندیکای ما را به رسمیت بشناسند. این تنها نیروی خود ما، نیروی مبارزه متحدانه ماست که به تشکلهای ما رسمیت میبخشد و نمایندگان ما را صاحب "صلاحیت" میکند.

13

از این گذشته کسی که به خاطر بهبود اوضاع کارگران، با دست خود پای دولت را در امر طبقه کارگر به میان میکشد، حداکثر دوست نادر کارگران است. او منافع طبقاتی، پایه‌ای و سراسری کارگران را به منافع آبی و جزئی، که آنهم معلوم نیست از راه مسالمت جویانه تا چه حد قابل دستیابی باشد، میفروشد. تمام مبارزه کارگران بر علیه سرمایه‌داران، مبارزه‌ای بر سر کوتاه کردن دست سرمایه و سرمایه‌داران از حیات اقتصادی و سیاسی کارگران است. مبارزه‌ای که تا ساقط کردن کل حاکمیت طبقاتی سرمایه‌داران بر جامعه باید ادامه یابد. مبارزه‌ای که باید به تشکیل حکومت کارگری منجر شود. اما این دوستان کوتهمین که فقط در فکر "قانونی کردن" شورا و سندیکا هستند، استقلال کارگران را به یک سندیکای اصلاح طلب و مورد اعتماد دولت و سرمایه‌داران میفروشند. وگرنه هیچ کارگر آینده‌نگر و آگاهی برای اینکه دولت فردا حاضر باشد بر سر چند درصد اضافه دستمزد با نمایندگان سندیکا صحبت کند و آنها را به رسمیت بشناسد، خودش امروز با دست خود پای دولت را به امور کارگران باز نمیکند و از دولت دعوت نمیکنند که بیاید و کارگران را مطابق میل خود سازمان بدهد و یا هر نماینده بی آزار و سر به زیر و یا حتی سازشکاری را که میخواهد از صندوق درآورد. با چنین شیوه‌ای، یعنی با مطالبه شورا و سندیکا از دولت و وزارت کار، هیچ چیز بجز سندیکای زرد طرفدار دولت و شورای اسلامی مجیزگوی جمهوری اسلامی نصیب کارگران نخواهد شد.

14

اگر میخواهیم شورا و سندیکای واقعی داشته باشیم و دولت را ناگزیر کنیم که شورا و سندیکای ما را به رسمیت بشناسند، راهش این است که خودمان رأی دست بکار ایجاد شورا و سندیکا بشویم و به دولت و کارفرما و وزارت کار هم بفهمانیم که کارگران متحد، کارگران همبسته، توده‌های کارگران کارخانه، این شورا و سندیکا را شورا و سندیکای خودشان میدانند، یکپارچه از آن حمایت میکنند و اجازه نمیدهند مویی از

## اعلامیه حزب حکمتیست

## اعتراض هماهنگ بازنشستگان در چند استان کشور



امروز شنبه ۲۵ مرداد ماه گروه هائی از بازنشستگان در اقدامی هماهنگ در شهرهای تهران، کرج، تبریز، مشهد و ساری در مقابل سازمان تامین اجتماعی دست به اجتماع و اعتراض زدند.

بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی به حقوق های بازنشستگی بشدت پائین، شرایط سخت زندگی، مشکلات روزمره برای امرار معاش، تامین هزینه های دارو و درمان و مطالبات معوق خود اعتراض دارند. بازنشستگان میگویند سازمان تامین اجتماعی حتی مصوبات خود را اجرا نمیکند. بازنشستگان کشور بعد از عمری کار و خدمت به جامعه در منگنه فقر و نداری و بیماری هستند. بازنشستگان خواهان افزایش حقوقها، پرداخت فوری معوقات خویش، تامین یک زندگی با رعایت شأن و حرمت انسانی هستند.

اجتماعات بازنشستگان نمونه دیگری از اعتراض هماهنگ در استانهای مختلف است که بسرعت در رشته های مختلف گسترش می یابد. این اعتراضات هماهنگ در سطح رشته ای و فراشهری شکل مشخص و ممکن از اعتراض بخشهای مختلف طبقه کارگر است که کمابیش خواستههای یکسانی را دنبال می کند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست از اعتراض برحق و اعتراض هماهنگ و خواستههای آنها حمایت میکند. بازنشستگان نسلهای قبلتر طبقه کارگر و سازندگان جامعه هستند و حق مسلم و بی چون و چرای آنهاست که دوره بازنشستگی را با آرامش و بدون دغدغه نان و دارو و مسکن طی کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۲۵ مرداد ۱۳۹۹ - ۱۵ اوت ۲۰۲۰

## ایجاد سازمانهای کارگری امر خود کارگران است ...

20

ما میگوئیم، شورا و سندیکایی که دولت برای شما تشکیل دهد، حتی اگر راضی به این کار شود، شورا و سندیکای کارگری نخواهد بود. یک خیمه شب بازی سندیکایی خواهد بود که عروسکهای آن را به شکل کارگران ساخته اند. شورای اسلامی و سندیکای زرد دولتی نتیجه چنین روشی است.

21

ما میگوئیم، کارگران باید فوراً و کاملاً مستقل از دولت دست بکار تشکیل شوراهای واقعی خود شوند. مجمع عمومی کارخانه خود را تشکیل دهند، جلسات آن را منظم کنند و آن را به عنوان عالیترین ارگان تصمیمگیری کارگران به رسمیت بشناسند و در مقابل دولت و کارفرما و وزارت کار قرار دهند. مجمع عمومی رسمی و منظم اولین رکن شورای واقعی است.

22

ما میگوئیم، کارگران باید همیشه و متحد اعلام کنند که دولت به هیچ وجه حق ندارد در تشکیل شوراها و سندیکاهای کارگران دخالت کند. دولت باید هر نماینده و هر تشکلی را که کارگران به اراده خود انتخاب و ایجاد کرده اند به رسمیت بشناسد.

23

ما کمونیستها میگوئیم طبقه کارگر تنها به نیروی خود آزاد میشود. کارگران باید در تشکلهای مستقل خود و در راس همه در حزب سیاسی خود، در حزب کمونیست، متحد و متشکل شوند و مبارزه انقلابی خود را برای برچیدن کل نظام سرمایه داری شدت بخشند. هر اصلاح جزئی و هر بهبود کوچک در اوضاع کارگران نتیجه جانبی این مبارزه انقلابی خواهد بود. کارگران هر گاه از مبارزه انقلابی دست بکشند، از اصلاحات و بهبود نسبی اوضاع هم بی نصیب خواهند ماند.

24

کارگران! تشکیل شوراها و تشکلهای کارگری امر خود شماست. اینها را از دولت تقاضا نکنید و منتظر اجازه و نظارت دولت نشوید. برعکس، اعلام کنید که دولت حق هیچگونه دخالتی در این امر ندارد و باید تشکلهای توده های کارگران را بی هیچ قید و شرط به رسمیت بشناسد.

25

مبارزه مستقل و اتکاء به نیروی توده های کارگر تنها راه پیروزی است.

کمونیست، ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران،

شماره ۳ - ۳۰ آذر ۱۳۶۲

hekmat.public-archive.net #0230fa.html

یا کار یا بیمه بیکاری! بیمه بیکاری مکفی برای تمام افراد آماده به کار!

## دولت را موظف کنیم:

- بیدرنگ شهرها و مناطقی بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای بهداشتی، اقتصادی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!
- بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!
- کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفتی با کاهش ساعات کار باشد!
- حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!
- هر نوع اخراج و بیکار سازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!
- نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!
- کودکان کار، زباله گرد، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!
- وسائل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!
- پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران لغو شود!
- کلیه بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی لغو شود!

### حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سیاوش دانشور

[Siavash\\_d@yahoo.com](mailto:Siavash_d@yahoo.com)

**اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:**

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیست تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

هفتگی  
کمونیسٹ

### به حزب کمک مالی کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به کمک های مالی شما نیازمند است. لطفا کمک های مالی خود را از طریق این شماره حساب برای حزب بفرستید:

Norway

Account number: 0532 1432 400

Account holder: IKIR

IBAN: NO57 0532 1432 400

BIC: DNBANOKKXXX

Bank: DNB

زنده باد سوسیالیسم!